**١٧٦ - راجع بدولت عثمانی**

و نیز از حضرت بهاء اللّه راجع به مملکت و دولت عثمانی است قوله الابهی : " فسوف تبدّل ارض السّر و ما دونها و تخرج من ید الملک و یظهر الزّلزال و یرتفع العویل و یظهر الفساد فی الاقطار و تختلف الأمور بما ورد علی هؤلاء الاسراء من جنود الظّالمین و یتغیّر الحکم و یشتدّ الأمر علی شأن ینوح الکثیب فی الهضاب و تبکی الاشجار فی الجبال و یجری الدّم من کلّ الاشیاء و تری النّاس فی اضطراب عظیم .... سوف یحرق اللّه اکبادهم من النّار انّه اشدّ المنتقمین "

و در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : " یا مَعْشَرَ الرّوُم نَسْمَعُ فیکم صوتَ البوم تَأخَذَکم سُکْرُ الهَوی اَمْ کُنْتُم مِنَ الغافلین یا ایّتَهُا النُّقْطَهُ الواقِعَة فی شاطِیِ الْبَحْریْن قَد اِسْتَقَرَّ عَلَیْکِ کُرسِیُّ الظّلم وَ اشْتَعَلَتْ فیکِ نارُ الْبَغْضاء علی شأنٍ ناح بها الْمَلَأُ الاَعْلی و الّذین یَطُوفُون حَوْلَ کُرسیِّ رفیع نَری فیکِ الجاهل یَحْکُمُ علی العاقلِ و الظَّلام یَفْتَخِرُ عَلَی النّوُر و انِّکَ فی غُروُرٍ مُبین أَعزَّتَکَ زینتکِ الظّاهِرة سَوْف تَفْنی و رَبِّ البریّة و ینوُحُ الْبنات و الاَرامِلُ و ما فیکِ مِنَ القبائل کذلِکِ ینبّئکِ العلیم الخبیر "

و در سورة الملوک است قوله الاعلی : " فسوف یظهر اللّه قوماً یذکرون ایّامنا و کلّ ما ورد علینا و یطلبون حقّنا عن الّذین هم ظلمونا بغیر جرم و لا ذنب مبین و من ورائهم کان اللّه قائماً علیهم و یشهد ما فعلوا و یأخذهم و انّه اشدّ المنتقمین "

و در لوحی است قوله الاعلی : " اذا قیل لهم بأیّ جرم حبستم الّذی به افترّ ثغر الایمان و ظهرت آیة الرّحمن قالوا قد تحقّق انّه اراد أن یبدّل سنن اللّه و دینه و لیس له علینا من فضل بل نراه من المفسدین کذلک قال امم امثالکم قد اخذناهم بما قالوا و جعلناهم عبرةً للمتبصرّین سوف نأخذ هولاء کما اخذنا الّذین کان اشدّ منهم قوّة انّ ربّک لهو المقتدر علی ما یشاء و الحاکم علی ما یرید "

و در لوح خطاب بشیخ محمّد باقر اصفهانی است قوله الاعلی : " فانظروا فی ملک الروم انّه ما اراد الحرب ولکن ارادها امثالکم فلمّا اشتعلت نارها و ارتفع لهیبها ضعفت الدّولة و الملّة یشهد بذلک کلّ منصف بصیر و زادت ویلاتها الی أن اخذ الدّخان ارض السّر و من حولها لیظهر ما انزله اللّه فی لوح الرّئیس کذلک قضی الامر فی الکتاب من لدی اللّه المهیمن القیّوم "

و در لوح خطاب بصدر دولت عثمانی قوله الاعلی : " کفّی از طین عند اللّه اعظم است از مملکت و سلطنت و عزّت و دولت شما ولو یشاء لیجعلکم هباًء منبّثاً و سوف یأخذکم بقهر من عنده و یظهر الفساد فیکم و یختلف ممالککم اذاً تنوحون و تتضرّعون و لن تجدوا لانفسکم من معین و لا نصیر این ذکر نه از برای آن است که متنبّه شوید چه که غضب الهی آن نفوس را احاطه نموده ابداً متنبّه نشده و نخواهید شد ... چند مرتبه بلاء بر شما نازل که ابداً التفات ننمودید یکی احتراق که اکثر مدینه بنار عدل سوخت چنانکه شعرا قصائد انشاء نمودند و نوشتند که چنین حریقی تا بحال نشده معذلک بر غفلتتان افزود و همچنین وبا مسّلط شد و متنبّه نشدید ولکن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده زود است که آنچه از قلم امر نازل شده مشاهده نمائید "

و در اثری از خادم اللّه ٥ جمادی الاولی سنه ١٢٩٣ خطاب بحاجی محمّد اسمعیل ذبیح کاشانی : " از اخبار جدیده اینکه این ایّام مفاد آیات منزله در لوح رئیس که حین خروج از ارض سرّ مخصوص آن حضرت از سماء مشیّت ربانیّه نازل شده ظاهر قوله عزّ کبریائه : فسوف تبدّل ارض السّر و ما دونها و تخرج عن ید الملک و یظهر الزّلزال و یرتفع العویل و یظهر الفساد فی الاقطار و تختلف الامور بما ورد علی هؤلاء الاسراء من جنود الظّالمین الی آخر قوله تعالی و همچنین ما نزّل فی الکتاب الاقدس قوله تعالی : یا ایّها النّقطة الواقعة فی شاطئ البحرین قد استقرّ علیک کرسیّ الظّلم و اشتعلت فیک نار البغضاء علی شأن ناح بها الملأ الأعلی و الّذین یطوفون حول کرسی رفیع نری فیک الجاهل یحکم علی العاقل و الظّلام یفتخر علی النّور و انّک فی غرور مبین أعزّتک زینتک الظّاهره سوف تفنی و ربّ البریّة و تنوح البنات و الارامل و ما فیک من القبائل کذلک ینبئک العلیم الخبیر انتهی از قراری که در اضطراب مدینهٴ کبیره نوشته‌اند سه نفس از خوف هلاک شده‌اند بدون صدمهٴ ظاهره دیگر ملاحظه فرمائید چه واقع شده فاعتبروا یا اولی الابصار "

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : " امّا مسأله واقعه بین البحرین آن است که واقع شد سریر ظلم در هم شکست ولی هنوز استقرار نیافته است دعا کنید که انتظام و استقرار یابد "

و در اثری دیگر خطاب بزین المقرّبین : " از اخبار جدید ارض سرّ و ما حولها را تصرّف نمودند قد ظهر کلّ ما انزله اللّه فی الالواح البتّه سورهٴ رئیس نظر مبارک هست باری در آن صحفات تحت هر شجری خون ریخت و صیحه و ضجیج عباد از ارامل و غیره از اتلال و جبال و مدن و قری مرتفع شد انّ القلم لا یقتدر ان یقوم بوصف ما ورد فیها انّ سورة الرّئیس اخبرنا بما حدث فیها بعد از ورود مسقف بأدرنه از ساحت اقدس مناجاتی نازل شد و امر فرمودند اصحاب بخوانند قال و قوله الحق : هذا مع علمی بأنّ الخلف شبه السّلف هذه سورة ما نزّل من القلم الاعلی هو المقتدر علی ما یشاء باسمه المهیمن علی الأسماء یا الهی الرّحمن و المقتدر علی الامکان أسألک بنفسک بأن تحفظ السّلطان ثمّ اسألک بأن لا تنظر الیه و جریرات من سبقه فی الملک بل الی بحر جودک و سماء فضلک و شمس الطافک ای ربّ کفّ عنه اکفّ السّوء بالید الّتی جعلتها فوق ایادی خلقک انّک انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم انتهی از این کلمات مبارکات چنین مستفاد میشود که فرجی از برای سلطان میشود ولکن این بعد از خسران عظیم است که وارد شده و میشود "

و در سفر نامهٴ امریکاست در جواب سؤال شخصی از وضع عثمانی قوله : " منتظر وقوعات خوش از آن شطر نباشید ... کتاب مبین در دست مبارک بوده و انذارات بعبد العزیز و خبر انقلاب امور و انتقال ادرنه را شرح میدادند و آن مواعید الهیّه را حتمی الوقوع میفرمودند "

و در سفر نامهٴ اروپاست قوله العزیز : " جمال مبارک پنجاه سال پیش که ابداً این نقشه‌ها نبود حکم فرمود که باید از اروپا بیرون روند لابدّ است چنین شود "